با جشن تئاتری‌ها

نقد نمایش «پرواز بر فراز شهر» از ارمنستان

فرافکنی فانتزی عاشقانه

ستاره جاوید

● «پرواز بر فراز شهر» به کارگردانی نارینه گرگوریان؛ فانتزی آرام عاشقانه‌ای است که با خلاقیت کودکانه‌ای در طراحی صحنه و زبان بدن تک‌پرسوناژ پرده‌اول نمایش، کوشیده است مخاطبان ایرانی خود را در قالب یک‌نمایش ملودرام فانتزی به وجد آورد؛ عاشقانه‌ای که با تکنیک‌های مبتکرانه‌ای در خلق افکت‌های صوتی و تکنولوژی‌های پنهان پشت‌پرده- که کمتر در ذوق مخاطب می‌زند- در طول نمایش، مفهوم نه‌چندان فلسفی عشق رنجبار زنی را به تصویر می‌کشد که در دنیای تاریک حاصل از نابینایی خود؛ به هردیواری می‌ساید تا یادی از عشقی دور را در ذهن خود مجسم کند و صدالبته در مسیر تجسم این رویای دور از دسترس، مخاطب را با خود به سفری اجتماعی می‌برد و در قالب زبان بدن، زبان طنز، زبان انتقاد و زبان ساده زنانه، عشقی را تصویر می‌کند که در دنیای امروز به نظر آرمانی دست‌نیافتنی می‌رسد. می‌توان گفت این فانتزی ملودرام؛ با خلق دنیایی کودکانه، درصدد برآمده نقبی به دنیای پرتنش بزرگسالانی بزند که در تاروپود زندگی سیاه‌وسفید روزمره غرق شده و دنیای رنگ‌رنگ عشق‌ورزی را از یاد برده‌اند؛ دنیای رنگ‌رنگی که می‌تواند در تعیین سطح کیفیت زندگی یک‌زن، حرف آخر را بزند و او را تا دنیای تاریک «ندیدن» سوق دهد. نابینابودن زن در این نمایش و عبور او از مراحل مختلف دنیای ذهنی‌اش و نگاهی که از پس پرده نابینایی به پیرامون خود دارد؛ اندیشه سمبلیکی است از کسانی که چشم را بر واقعیت زندگی پوشیده نگاه داشته و قادر به درک زیبایی‌های زندگی نیستند؛ زیبایی‌هایی که شاید به دلیل وافربودن و در دسترس‌بودن، محکوم به دیده‌نشدن هستند و در سایه سنگین مشکلات و خلأهای روحی و اجتماعی فرد، رنگ می‌بازند و دیده نمی‌شوند.

گرگوریان، در نمایش خود مولفه‌های هنر مدرن را به خدمت گرفته و فضایی که خلق کرده، بی‌شباهت به هنر مدرن کشورهای بلوک شرق نیست. نگاهی به تاریخ تئاتر ارمنستان و خاستگاه این هنر در این کشور برادر؛ تاثیرپذیری هنرمندان این عرصه را از تئاتر نوین کشورهای بلوک شرق قبل از فروپاشی اتحادجماهیر شوروی نمایان می‌کند و بر این تاثیر صحه می‌گذارد، فضایی سرد و در عین‌حال دراماتیک که می‌کوشد فانتزی خیال‌آلود عاشقانه‌ای را به تصویر بکشد که در سال‌های پس از جنگ‌سرد، به آرمانی دست‌نیافتنی در ذهن مردان و زنان تنها تبدیل شده بود؛ عشقی که همچون ملاطی شاعرانه به زندگی اجتماعی زنان و مردان تزریق می‌شود و کیفیت زندگی عاطفی و زندگی جمعی آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ عشقی که می‌آید و طوفان تنهایی و معضلات روحی حاصل از این «تنهایی پرهیاهو» را نیست‌ونابود می‌کند. صرفنظر از جایگاه کیفی این نمایش در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و رو به بالاگرفتن نوک پیکان انتقادها نسبت به جشنواره‌ای که بخش بین‌الملل آن، موفق نشده تماشاگر متخصص تئاتر حرفه‌ای را راضی نگاه دارد؛ از منظر طراحی صحنه و طراحی حرکات بدن، ابتکارعمل‌های شاعرانه‌ای در این نمایش نهفته بود که می‌توان گفت بی‌تاثیر از نگاه زنانه کارگردان نیست. کارگردان نمایش در اصل کوشیده به دور از فضای شعارزده فمنیستی، از مشکلات زنانی بگوید که در دنیای تاریک کور عاشقانه، غرق می‌شوند.

مرجان صائبی

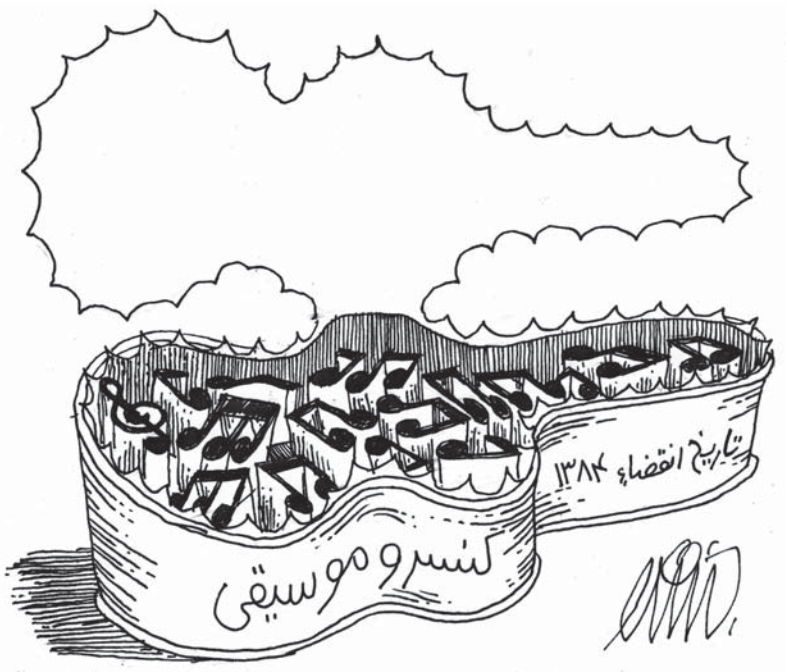

جشنواره‌ای که باید خانه امید موسیقیدانان باشد

و نت‌های سرگردان

دوهفته دیگر، نت‌های جشنواره سی‌ام موسیقی به صدا درمی‌آیند. اما با نگاهی اجمالی به جدول برنامه‌های این جشنواره دوباره زخمی کهنه سر باز می‌کند؛ جشنواره موسیقی به منوال سال‌های قبل مبهم و بی‌سلیقه است؛ شبیه سرنوشتی که بهانه اصلی این گردهمایی در ایران دارد، یعنی «موسیقی.» مبهم از این نظر که از هیچ جهتی قابل بررسی نیست. آش شله‌قلمکاری که هرچیزی در آن پیدا می‌شود. بخش رقابتی جشنواره صرفا به آماتورها تعلق دارد. در بخش بین‌الملل چهره‌های شاخصی حضور ندارند و جالب اینجاست که امسال جشنواره موسیقی فجر، دبیر بخش بین‌الملل ندارد. البته از نظر حقوقی دبیران بخش‌های مختلف سمت مشاور دبیر هنری جشنواره را دارند و الزامی برای بودنشان تعریف نشده. سوال اما اینجاست که وقتی حضور یک مشاور باعث شد بخش بین‌الملل بعد از مدت‌ها -یعنی دوره‌هایی که جشنواره بزرگانی چون «بسم‌الله‌خان» و «نصرت فاتح‌علیخان» را به خود دیده بود- صحنه‌اش میزبان «کوارتت ولفرت بردروت»، «دوئت آرتور آوانسف»، «آنیا لشنر» و «رامیز قلی‌اف»، موزیسین‌های دیگری چون «انور براهیم» باشد، چراکه امسال نه‌تنها کسی جایگزین دبیر بخش بین‌الملل نشده، بلکه حتی حضور «یوری هونینگ» هم تتمه رایزنی‌هایی است که رامین صدیقی سال قبل انجام داده بود. این پرسش به وجود می‌آید که چرا جشنواره‌ای که بدون دبیر یا مشاور بخش بین‌الملل است بدون آب‌ازآب‌تکان‌خوردن می‌تواند برگزار شود. چرا باید پیشوند بین‌المللی در عنوان اصلی آن لحاظ شود؟ چرا بودجه این بخش را صرف رونق‌بخشیدن به بخش‌های دیگر مثل بخش موسیقی نواحی نمی‌کنند؟ امسال در بخش موسیقی نواحی که مهم‌ترین بخش و هویت اصلی و حتی پشتوانه موسیقی ردیف دستگاهی ایران است، نه برنامه منظمی در جدول به چشم می‌خورد نه اینکه غیر از یکی، دواسم مثل «ناصر وحدتی» و «ایرج رحمان‌پور» از استادان و چهره‌های شناخته‌شده این موسیقی خبری است. قسمت قابل‌توجه، بزرگداشت «پروین بهمنی» است که به منوال تمام قدرشناسی‌ها، بعد از ترکیه و آذربایجان به یاد مدیران و مسوولان خودمان افتاده است.

مورد عجیب ارکسترسمفونیک عراق

مساله بعدی و مهم‌تر در بخش بین‌المللی جشنواره موسیقی، حضور گروهی تحت‌عنوان ارکسترسمفونیک عراق است. ارکسترسمفونیک یک مفهوم مدنی است، به زبانی ارکسترسمفونیک نماد یک شهر است. وقتی می‌گوییم ویترین فرهنگی شهر، اولین مساله‌ای که لحاظ می‌شود ارکسترسمفونیک است و در مرحله بعد سالن‌های تئاتر و گروه‌های نمایشی و بعد نوبت به سینما و گالری‌ها می‌رسد؛ نکته مهم اینجاست که ارکسترسمفونیک‌ها متعلق به کشورها نیستند، بلکه متعلق به شهرها هستند، یعنی ما ارکسترسمفونیک برلین، نیویورک، پاریس یا در حالت خیالی‌اش ارکسترسمفونیک تهران داریم. اما چیزی تحت عنوان ارکسترسمفونیک ایران یا فرانسه وجود ندارد و وقتی می‌گوییم ارکسترسمفونیک عراق یعنی از اسم بی‌معنایی حرف می‌زنیم که به‌لحاظ علمی درست نیست. ارکسترسمفونیک به شهرها تعلق دارد به همین دلیل به شهرداری‌ها وابسته است. در همه‌جای دنیا اسپانسرهای ارکسترسمفونیک‌ها «فیلارمونیک‌ها» هستند، یعنی انجمن‌هایی که توسط دوستداران موسیقی در ذیل چتر شهرداری برای حمایت از ارکسترسمفونیک‌ها تشکیل شده. وقتی می‌گوییم «ارکسترسمفونیک عراق» یعنی ارکستری که ماهیتش مشخص نیست. این نامگذاری نشان از این دارد که یک‌جای کار می‌لنگد، یعنی یک ارکستری که جای مشخصی ندارد. احتمال دارد یک ارکسترسمفونیک نه‌چندان معتبر یا خصوصی باشد که چون صرفا از عراق آمده به این عنوان نامگذاری شده یا مثلا ممکن است عراقی‌ها اسم ارکسترسمفونیک بغداد را «عراق» گذاشته باشند. اما مساله اصلی این است در شرایطی که ارکسترسمفونیک تهران و ارکستر ملی چیزی جز «وعده» نیستند، دعوت از ارکسترسمفونیک عراق بیشتر از اینکه یک حرکت فرهنگی باشد، به‌نظر دهن‌کجی به نوازندگان ارکسترسمفونیک تهران و ملی است که چندین‌سال است به بهانه عدم بودجه خانه‌نشین شده‌اند. اینکه پشت دعوت از این ارکستر چه تفکر و سلیقه‌ای است، فعلا از دیگر ابهامات و عجایب جدول جشنواره است.

«نسلی دیگر» روزنه‌ای لابه‌لای تاریکی

چندسالی است که موسیقی پاپ را کنار جشنواره موسیقی فجر گذاشته‌اند؛ دوره‌ای در بخش رقابتی و دوره‌ای دیگر در بخش جنبی. سوال اینجاست چرا خواننده‌ای که ماه پیش در برج‌میلاد بلیت‌های چندین‌سانس اجرایش در عرض دوساعت پیش‌فروش شده، الان باید زیر عنوان «جشنواره موسیقی فجر» در همان سالن و با همان کیفیت و حتی همان رپرتوار حضور داشته باشد؟ البته مدیران جشنواره جیب خالی را بهانه می‌کنند، یعنی حضور گروه‌های پاپ محلی برای کسب درآمد جشنواره است تا اعتبار بخش‌های دیگر را تامین کند، اما بخش‌های دیگر هم آش دهن‌سوزی نیست و معلوم نیست چرا این بودجه تا این‌حد بی‌سلیقه خرج می‌شود؛ درواقع به‌طور مشخص درباره جشنواره سی‌ام، واقعیت این است که اگر بخش «نسلی دیگر» را از جشنواره حذف کنیم، حکایت بیماری در حال احتضار است که نفس‌های آخرش را می‌کشد؛ بخشی که اگر امثال امیرعباس ستایشگر دبیری‌اش را قبول نمی‌کرد، امکان حذفش وجود داشت یا به سبک سال‌های قبل که محمدرضا درویشی از بخش موسیقی نواحی برکنار شد و یک مدیر دولتی جایش نشست، امسال هم یک مدیر دولتی که سررشته‌ای از موسیقی ندارد، مسوول این بخش می‌شد. البته در بخش‌های دیگر هم اسامی شناخته‌شده‌ای چون «علیرضا مشایخی» و «مهرداد پاکباز» و... به چشم می‌خورند، اما مساله اصلی یک جشنواره هدف‌گذاری فرهنگی و هنری آن است که در یک کلیت و هماهنگی و بر مبنای ایده اصلی جشنواره معنا پیدا می‌کند، نه در حرکت‌های فردی و هرازگاهی. به‌طور مثال علیرضا مشایخی دوره‌های زیادی در جشنواره فجر حضور داشته است، ولی آیا جشنواره تا به حال، بانی کوچک‌ترین جریان موسیقایی در ایران شده؟ نکته اینجاست که اساسا شکل‌گیری جشنواره موسیقی فجر از ابتدا به‌خاطر ابهام مشروعیت موسیقی، حرکت مبارکی بود که می‌توانست به مشروعیت موسیقی کمک کند و تا زمانی هم همین کارکرد را داشت، اما در حال حاضر سال‌هاست که مساله و ممنوعیت موسیقی تا حدی حل شده و جشنواره نه‌تنها دیگر تنها خانه امید موزیسین‌ها نیست، بلکه عملا دیگر هیچ تاثیری در روال و جریان موسیقی ایران ندارد. در این شرایط فقط کیفیت این جشنواره می‌تواند آن را احیا کند؛ مساله‌ای که مسوولان کمترین توجهی به آن ندارند و جشنواره برگزار می‌شود تا صرفا برگزار شده باشد.

> **نکته اینجاست که اساسا شکل‌گیری جشنواره موسیقی فجر از ابتدا به‌خاطر ابهام مشروعیت موسیقی، حرکت مبارکی بود که می‌توانست به مشروعیت موسیقی کمک کند و تا زمانی هم همین کارکرد را داشت، اما در حال حاضر سال‌هاست که مساله موسیقی تا حدی حل شده**

مقایسه جشنواره فیلم و موسیقی

با تمام تفاصیلی که درباره ماهیت جشنواره‌های بخش دولتی مخصوصا فجر وجود دارد، اما ۳۰ سال است که به فاصله ۱۰روز «جشنواره فیلم فجر» هم برگزار می‌شود. جشنواره‌ای که اسامی بزرگان سینمای ایران را نه‌تنها کم به خود ندیده، بلکه اکثر آنها هرسال سعی دارند فیلمشان را به هرنحوی شده به جشنواره برسانند؛ به چنددلیل واضح: اول اینکه شرکت در جشنواره برای فیلمسازان متضمن حضور یک‌سال آینده آنها در عرصه بازار و نوبت اکران فیلمشان است و از طرفی با تمام قضاوت‌های درست و نادرست، سیمرغ بلورین جشنواره فیلم برای بازیگران و فیلمسازان متضمن اعتبار مالی و حرفه‌ای است. مضاف بر اینکه فضای رقابتی جشنواره فیلم فقط محدود به آماتورها نیست، بلکه فیلمسازان بنامی سال‌های زیادی در بهمن‌ماه برای گرفتن سیمرغ با هم به رقابت پرداخته‌اند، بعد هم فیلم‌های زیادی در جشنواره فیلم فجر پخش شده که با فاصله‌های چندساله یا هیچ‌وقت اجازه کران پیدا نکرده‌اند، اما مخاطبان جدی جشنواره این امکان را داشته‌اند تا آنها را بر پرده نقره‌ای ببینند. جشنواره موسیقی واجد هیچ‌یک از این ویژگی‌ها نیست؛ عموم مردم اسم هیچ‌کدام از گروه‌های شرکت‌کننده در بخش رقابتی جشنواره موسیقی را نمی‌دانند. از سوی دیگر جایزه بخش مسابقه اعتبار بین‌المللی که هیچ، حتی اعتبار داخلی هم ندارد؛ یعنی حضور یک گروه موسیقی به‌واسطه شرکت و پذیرفته‌شدن در جشنواره تضمین‌کننده هیچ امتیازی برای فعالیتش در طول سال آینده نیست یا حتی جشنواره انتشار یک آلبوم برای برگزیدگان را برعهده نمی‌گیرد. شرکت‌کردن و نکردن اهالی موسیقی در جشنواره درواقع نه برای جشنواره اهمیتی دارد نه برای هنرمندان، البته این مساله در مورد بخش موسیقی پاپ عکس قضیه است، یعنی حضور بخش پاپ در جشنواره موسیقی، هم برای مدیران جشنواره و هم برای اهالی پاپ یک معامله دوسرسود است و به‌نوعی مدیران جشنواره به‌دنبال گروه‌های پاپ هستند چون فروش میلیاردی بلیت‌های برج میلاد، بخش عمده‌ای از هزینه‌های جشنواره را تامین می‌کند، اما از طرفی این سوال پیش می‌آید که وقتی خواننده پاپ در کنسرت عادی چیزی حدود صدمیلیون دستمزد می‌گیرد چرا برای شرکت در جشنواره به ۳۰میلیون راضی می‌شود؟ واقعیت این است که شرکت آنها در جشنواره، برگزاری کنسرت‌های سال آینده آنها و سرعت مجوزها را هموارتر می‌کند. در اصل بده‌بستان فرهنگی که باید در بخش‌های دیگر بین مدیران و موزیسین‌ها وجود داشته باشد، تنها در بخش موسیقی پاپ اتفاق می‌افتد آن‌هم به‌خاطر نقطه مشترکی به‌عنوان «پول». مدیران موسیقی کشور به گروه‌های دیگری که در جشنواره شرکت می‌کنند در طول سال هیچ امتیازی نمی‌دهند! البته بگذریم از اینکه امتیازهایی هم که به موسیقی پاپ تعلق می‌گیرد، یک توافق نانوشته است و دیوار حاشا بلند.

موسیقی پاپ از کادر بیرون زد

اگر نگاهی به جدول جشنواره موسیقی فجر بیندازید، در آخرین ستون یعنی بخش تعیین‌کننده و مادرخرج جشنواره، حس مادری به‌صورت فرمال هم رعایت شده؛ یعنی بخش پاپ یک‌روز قبل از همه گروه‌ها شروع می‌شود و در انتها هم یک‌روز بیشتر از همه ادامه دارد و این فکر به ذهن خطور می‌کند که اگر مدیران جشنواره می‌توانستند قسمت پاپ را به جشنواره سال بعد وصل می‌کردند و این صرفا حرکتی در حمایت از موسیقی پاپ است و هیچ ربطی هم به مادیات ندارد.

ابهام در موسیقی و در جشنواره

واقعیت اصلی این است که مبهم‌بودن وضعیت و مشروعیت موسیقی در ایران باعث شده موسیقی مثل طفلی بی‌صاحب، صد صاحب داشته باشد که برمبنای منافع سیاسی، مالی و سلیقه‌ای هروقت که خواستند ادعای مالکیتش را بکنند و انکار عده زیادی هم از این صاحبان که مشروعیت خودشان هم زیر سوال است، خیلی مایل به شفاف‌سازی شرایط نیستند و ترجیح می‌دهند همین فضای مبهم همچنان بر موسیقی حاکم باشد، چون در غیراین‌صورت شاید روشن شود چه کسانی از این آب گل‌آلود ماهی گرفته‌اند. جشنواره موسیقی هم نمادی بارز از این ابهام تعمدانه است که سال‌هاست دچارش هستیم و امید به اتفاقی مبارک یا جریان‌ساز، بیشتر شبیه یک خوشبینی ناآگاهانه و کودکانه است.

چهره روز

تجلیل جایزه شعر خبرنگاران از «هوشنگ ابتهاج»

● **شرق:** جایزه کتاب سال شعر «خبرنگاران» در نهمین دوره برگزاری خود، از یک عمر فعالیت شعری «هوشنگ ابتهاج (ه.ا.سایه) تجلیل می‌کند. جایزه کتاب سال شعر خبرنگاران طبق روال گذشته، در این دوره نیز در سه‌بخش «کتاب سال»، «ویژه» (شاعران بدون کتاب) و «یک‌عمر دستاورد شعری»، منتخبان خود را معرفی می‌کند.

این جایزه در بخش یک‌عمر دستاورد شعری که پیش از این به شاعرانی چون عمران صلاحی، محمدعلی سپانلو، مفتون امینی، سیمین بهبهانی، جواد مجابی، یدالله رویایی و احمدرضا احمدی تعلق گرفته، در دوره نهم، از هوشنگ ابتهاج تجلیل می‌کند. از این شاعر متولد۱۳۰۶ در رشت، تاکنون آثاری چون «نخستین نغمه‌ها» ۱۳۲۵، «سهراب»۱۳۲۰، «شبگیر»۱۳۳۲، «زمین»۱۳۳۴، «چندبرگ از یلدا»۱۳۳۴، «یادگار خون سرو» ۱۳۶۰ و «سیاه‌مشق» در سه‌شماره، منتشر شده است.

داوری آثار جایزه کتاب سال شعر «خبرنگاران» در نهمین دوره نیز در حال انجام است که در بخش کتاب سال، به بررسی کتاب‌های شعر منتشرشده در ایران (در سال۱۳۹۲) می‌پردازد. در بخش ویژه نیز آثاری از شاعرانی که به هر دلیل تاکنون در ایران مجموعه شعر منتشر نکرده‌اند اما به اندازه یک کتاب، شعر دارند، با آثاری از شاعران فارسی‌زبان از ایران (داخل و خارج کشور)، افغانستان و تاجیکستان در حال بررسی است.

همچنین طبق روال گذشته و برای جلوگیری از هرگونه شائبه، دو مجموعه شعر منتشرشده از علیرضا بهرامی- دبیر و عضو هیات‌داوران جایزه- که با نام‌های «غم صدای تو یعنی...» و «اصلا مهم که نیست» در سال۹۲ انتشار یافته‌اند، در چرخه داوری قرار نگرفته‌اند.

خبرسازان

شجاعی‌صایین رفت؛ امیرزاده آمد

● **شرق:** امیرزاده سرپرست دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی شد. با حکم سیدعباس صالحی، معاون امور فرهنگی، همایون امیرزاده سرپرست دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی و جایگزین علی شجاعی‌صایین شد. پیش از این علی شجاعی‌صایین به‌مدت یک‌سال‌و۱۰روز در دفتر توسعه به‌عنوان مدیرکل توسعه کتاب و کتابخوانی به‌عنوان مدیرکل فعالیت داشته است.

ساعاتی پس از رسانه‌ای‌شدن خبر برکناری مدیر اداره کتاب، «فارس» در گزارشی مدعی شد، عدم موافقت شجاعی‌صایین با اعطای مجوز به دو کتاب خاص و ایستادگی در برابر فشارها، در نهایت به برکناری او منجر شده. بنابر گزارش این خبرگزاری، پشت‌پرده این برکناری، اتفاقات اخیر درباره عدم مجوز به دو کتاب «زوال کلنل» محمود دولت‌آبادی و«من این نسل» اسدزاده بوده است.

نویسنده کتاب «من این نسل»، سردبیر خبرگزاری کتاب است که بنابر ادعای فارس، «نه» مدیر اداره کتاب به اعطای مجوز به آن، سبب برکناری‌اش شده. شجاعی‌صایین در این راستا در مصاحبه‌ای با روزنامه جوان درباره این کتاب و نویسنده‌اش صراحتا گفته بود: بارها درباره این کتاب و نویسنده‌اش به آقای صالحی هشدار داده بودم.

جدول ۲۱۸۶ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- کتاب شیخ‌صدوق در زمینه فلسفه احکام- هریک از بخش‌های مجزای یک‌مجموعه ۲- کشوری- جلوگیری کردن- فونداسیون ۳- سست و بی‌بنیاد- از اقوام ایرانی- کودنی ۴- نماد عمق جان آدمی- سرگیجه- میانگین امتیازها در مسابقات ۵- کشوری عربی در خاورمیانه- آسوده‌خاطر- جایی دارای امکانات کامپیوتری برای استفاده از اینترنت ۶- تاول سوختگی- شهری در استان مرکزی- جایز ۷- طفلی که تازه به‌دنیا آمده- خوب و پسندیده- فتنه‌جو ۸- رسم‌وسنت- وسیله‌ای برای انتقال صدا- لازم و ضروری ۹- محکم‌کردن- نمایشنامه‌ای مشهور نوشته شیللر آلمانی- از مرکبات ۱۰- گروه ورزشی- چیزها- غرشمال ۱۱- سالاد سیب زمینی- آنکه کتاب چاپ و منتشر می‌کند- مخزن سوخت خودرو ۱۲- ناخالص- سمت راست- کار ناتمام! ۱۳- از الفبای انگلیسی- حمله و هجوم- سوراخ‌سوراخ ۱۴- همه‌چیز را جمع می‌بندد- نیزار- پایتخت فیلیپین ۱۵- پایه و اساس- نظامی اقتصادی که سودآوری مهم‌ترین هدف آن است.

عمودی:

۱- از بالا به پایین- صبحانه‌نخورده- واحد اندازه‌گیری مقاومت الکتریکی ۲- آکنده- دستگاه نمایش‌فیلم- امر به یافتن ۳- پرستار کودک- حزب هیتلر- شاداب و سرحال ۴- تاکیدشده- آواز بلند- بندری در بلغارستان ۵- لنگه در و پنجره- پدر- دوره‌ای از زندگی زنان ۶- ستون- پایتخت انرژی ایران- چاشنی غذایی ۷- پشت‌سرهم- بدون برنامه‌ریزی- نوعی اجاق برقی ۸- دستور، فرمان- باغ درخت خرما- نوعی تسهیلات بانکی ۹- قانونی که چنگیز برای مغولان وضع کرده بود- واحد اندازه‌گیری طول برابر با ۱۶۰۹ متر- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۱۰- حرف جر عربی- خلأ- حبه خشک‌شده انگور ۱۱- زبان یهود- نوعی زردآلو- ابر نزدیک زمین ۱۲- هدر دادن- نیستی و فنا- سمبل ۱۳- زنگ اعلام خطر- کج و خمیده- ورزش آبی توصیه‌شده اسلام ۱۴- کم‌ارتفاع‌تر از کوه- دلپذیر- زشت و نفرت‌انگیز ۱۵- مرده- یغما- پرنده‌ای شبیه چکاوک.

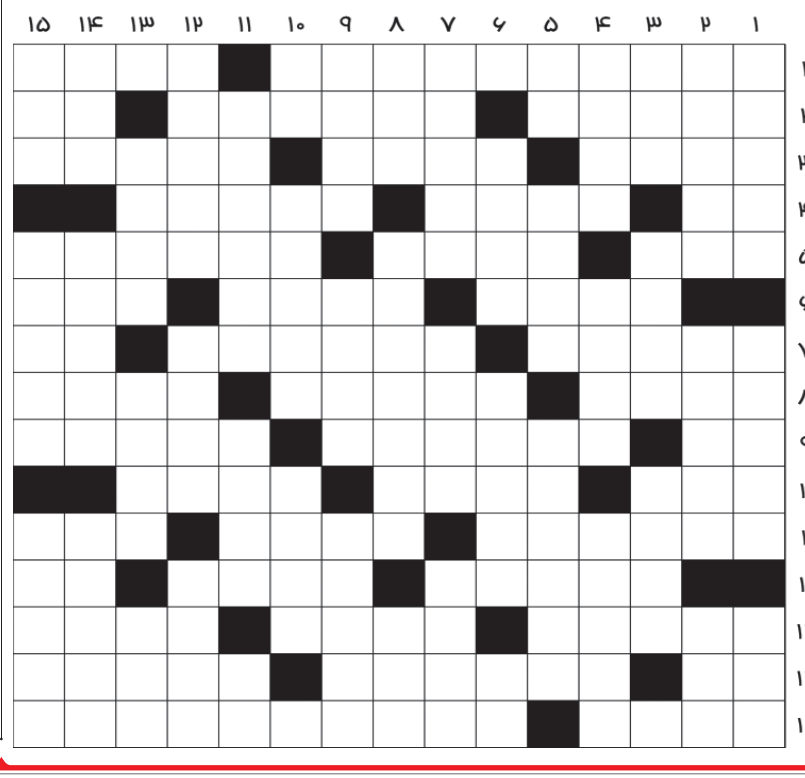

حل سودوکو سخت

۷	۹	۶	۱	۴	۵	۸	۳	۲
۳	۱	۸	۶	۲	۹	۴	۵	۷
۲	۴	۵	۳	۷	۸	۶	۹	۱
۸	۲	۹	۷	۱	۳	۵	۶	۴
۴	۷	۱	۹	۵	۶	۳	۲	۸
۶	۵	۳	۲	۸	۴	۷	۱	۹
۵	۶	۴	۸	۹	۱	۲	۷	۳
۹	۸	۲	۵	۳	۷	۱	۴	۶
۱	۳	۷	۴	۶	۲	۹	۸	۵

حل سودوکو ۱۱۸۲

۶	۱	۵	۳	۴	۲	۸	۷	۹
۲	۷	۴	۸	۹	۵	۳	۱	۶
۳	۸	۹	۶	۷	۱	۵	۲	۴
۸	۳	۱	۴	۶	۹	۲	۵	۷
۴	۲	۷	۵	۱	۳	۹	۶	۸
۵	۹	۶	۲	۸	۷	۴	۳	۱
۷	۴	۳	۱	۵	۸	۶	۹	۲
۱	۶	۲	۹	۳	۴	۷	۸	۵
۹	۵	۸	۷	۲	۶	۱	۴	۳

جدول ۲۱۸۵

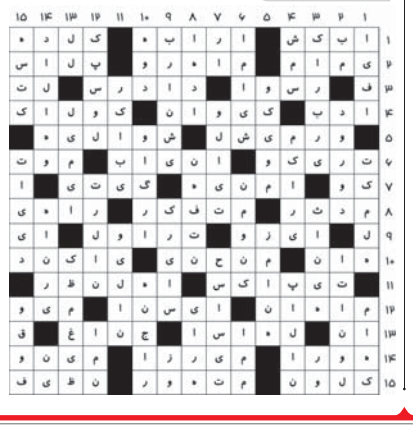

سودوکو سخت ۱۱۸۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۳			۶	۸			
۴		۲			۵			
۶	۹			۷		۸		
					۷	۴	۹	
	۶		۸				۵	۱
۵	۷					۲		
۱				۵	۳			
		۷		۴	۱	۳		
						۹	۱	۴

سودوکو ۱۱۸۳

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۶	۱			۳	۹
۳	۶		۲	۹			۱	
			۵	۳	۴			۷
۶		۵					۲	۸
		۸	۳			۵	۴	۱
			۸	۵	۹			۶
۷	۸					۱		۲
۴	۹	۱	۷					۳
	۲					۷	۹	۴